

[بازگشت] | [چاپ]

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها - 1397/03/20**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

این تصحیح و اصلاح کار دانشگاه‌ها همین امروز مصداق‌های روشنی دارد.

یکی از مصداق‌های روشن این است که ما رویکرد مصرف‌کنندگی علم را تبدیل کنیم به رویکرد تولید علم. تا کی باید ما بنشینیم مصرف‌کننده‌ی علم دیگران باشیم؟ بنده با یاد گرفتن علم از دیگران هیچ مخالف نیستم؛ این را بارها گفته‌ام و همه هم میدانند؛ گفتم ما ننگمان نمیکند که از آن کسی که دارای علم است یاد بگیریم و شاگردی کنیم، اما شاگردی یک حرف است، تقلید یک حرف دیگر است! تا کی دنباله‌رو علم این‌وآن باشیم؟ چرا در زمینه‌ی علوم انسانی وقتی گفته میشود که بنشینیم فکر کنیم و علوم انسانی اسلامی را پیدا کنیم، یک عده‌ای فوراً برمی‌آشوبند که «آقا! علم است»؟ علم است؟ در علوم تجربی که علم بودنش و نتایجش قابل آزمایش در آزمایشگاه است، این‌همه غلط بودن یافته‌های علمی روزبه‌روز دارد اثبات میشود، آن‌وقت شما در علوم انسانی توقع دارید [غلط نباشد]؟ در اقتصاد چقدر حرف‌های متعارض و متضاد وجود دارد! در مدیریت، در مسائل گوناگون علوم انسانی، در فلسفه، این‌همه حرف‌های متعارض وجود دارد؛ کدام علم؟ علم آن چیزی است که شما به آن دست پیدا کنید، بتوانید بفهمید آن را، از درون ذهن فعال شما تراوش بکند. باید دنبال این باشیم که ما تولید علم بکنیم؛ تا کی مصرف علم این‌وآن را؟ بله، مانعی ندارد که مثل کالایی که خودمان نداریم، دیگری دارد و از او میگیریم و استفاده میکنیم، از علم دیگران استفاده بکنیم اما این نمیتواند دائمی باشد، این نمیتواند همیشگی باشد؛ گاهی علم دیگران درست به ما منتقل نمیشود، گاهی آن بخش خویش را به ما نمیدهند، گاهی نو و به‌روزشده‌اش را به ما نمیدهند و این اتفاق در کشور ما متأسفانه در سالهای حکومت طاغوت بارها افتاده؛ ما که نباید تجربه‌ها را مجدداً تکرار بکنیم؛ بنابراین بایستی تولید علم بکنیم.

مربوط به: **بیانات در دیدار دست‌اندرکاران اولین کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی - 1396/03/01**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

علوم انسانی، دو سه قرن است که در دنیا ابداع شده و اشخاصی روی آن فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند، مسائلی را به وجود آورده‌اند؛ بعضی هم که [ابداع آنها] به قرن نمیرسد، چندین دهه است که دارند روی آن کار میکنند؛ یعنی به اصطلاح چیزهایی جزو علوم مختلف انسانی هستند که برای ما حکم واردات را پیدا میکند؛ حالا غیر از فلسفه و ادبیات و مانند این چیزهایی که مربوط به خود ما است، مسائلی به وجود آمده، سرفصل‌هایی تولید شده، روی آن کار شده، فکر شده، نقد شده، چند لایه ردوبدل شده -این کارها انجام گرفته- ما حالا میخواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه‌ی به اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضد دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. [دانستن] کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفتهایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است؛ باید کار بشود.

مربوط به: **بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) - 1395/03/14**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خبره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.

مربوط به : **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1394/04/13**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

در زمینه علوم انسانی عقیم. دوستان که درباره علوم انسانی صحبت کردند، بدرستی بر روی اهمیت علوم انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند؛ درست است. این آماری که این برادر عزیزمان دادند برای من جالب بود که گفتند در پیشرفت صنعتی، حدود چهل درصد مثلاً - یا پنجاه درصد - مربوط به مسائل مهندسی و مربوط به مسائل فنی است، حدود پنجاه شصت درصد مربوط به مسائل علوم انسانی - مثل مدیریت، همکاری، سخت‌کوشی - است؛ راست می‌گویند، این خیلی مهم است. در زمینه علوم انسانی، امروز خوشبختانه چند نفر از برادران مطالب خوبی گفتند، همان حرفهای دل ما است؛ البته حرفهای زبان ما هم هست؛ این مسائل را ما هم بعضاً گفتیم. علوم انسانی بسیار مهم است. تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من میبینم [گزارش کارها]، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی - همین شورای تحول و دوستانی که در آنجا مشغول کارند - هم در خود دانشگاه‌ها، هم آنطور که امروز ملاحظه کردید [در صحبت] بعضی از دوستانی که درباره علوم انسانی صحبت کردند، نشان‌دهنده این است که این جوشش درونی در درون دانشگاه‌ها آن هم از سوی فرزندان و از سوی انسانهای دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد - حمایت گوناگون - که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. یک مصوباتی دارند که امروز هم یکی از برادرها همین حالا بیان فرمودند که همان مقداری که کار شده، همین مقدار عملیاتی بشود. هر مقداری که تلاش شده است، کار شده است، این اجرائی بشود و عملیاتی بشود. در دفاتر و کتابها و زونکن‌ها - و به قول ایشان در پیچ‌وخم‌های دالانهای وزارت یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - نماد، بیاید عملیاتی بشود؛ این کاملاً درست است. وزارت به این نکته توجه کند. آقای دکتر فرهادی (۶) هم اینجا نشسته‌اند، اینها چیزهایی است که من بخصوص به ایشان توجه میدهم که این مسائل را دنبال کنند؛ این کار، کار بزرگی است. امروز سر رشته علم در کشور و سر رشته دانشگاه در کشور، در دست این برادران خوب ما است؛ اینها بایستی به معنای واقعی کلمه و دلسوزانه دنبال بکنند.

مربوط به : **حکم آغاز دوره جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1393/07/26**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

مهندسی فرهنگی و موضوع تحول و نوسازی در نظام آموزشی و علمی کشور اعم از آموزش عالی و آموزش و پرورش و نیز تحول در علوم انسانی که در دوره‌های گذشته نیز مورد تأکید بوده است، هنوز به سرانجام مطلوب نرسیده است، به تعویق افتادن این امور خسارت بزرگی متوجه انقلاب اسلامی خواهد کرد، لذا باید این امور جدی‌تر گرفته شده و با یک بازنگری و برنامه‌ریزی جدید طی مدت زمان معقول و ممکن به سرانجام خود برس

مربوط به : **ابلاغ سیاست‌های کلی «علم و فناوری» - 1393/06/29**

عنوان فیش : جهاد علمی، مرجعیت علمی، تولید علم، نظریه‌پردازی، تحول و ارتقاء علوم انسانی
کلیدواژه(ها) : جهاد علمی، مرجعیت علمی، تولید علم، نظریه‌پردازی، تحول و ارتقاء علوم انسانی
نوع(ها) : جستار

متن فیش :

بسم الله الرحمن الرحيم

سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:

۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.

۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.

۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.

۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه‌ها و روش‌های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی مربوط.

۱-۵- دستیابی به علوم و فناوری‌های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.

مربوط به : **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1393/04/11**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی علوم انسانی است، که از مدّتی پیش این مطلب را مطرح کردیم؛ دلایل این کار هم مکرراً گفته شده. حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته‌وپرداخته‌ی غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد - حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادّی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست. علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد. البته این کار، کار شتاب‌آلودی نیست - کار بلندمدّتی است، کار مهمّی است - منتها دوستانی هم که مشغول این کار هستند، لازم است سرعت متناسب را به این کار بدهند، یعنی ضمن اینکه نباید در این کار شتاب‌زدگی کرد، عقب‌ماندگی هم در این کار مطلوب نیست و مورد قبول نیست؛ بایستی کار بشود. البته من شنیدم و اطلاع دارم که علاوه بر آنچه در شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه انجام میگیرد، اساتید متعدّد دانشگاه هم در این زمینه کارهای مهم و خودجوش دارند انجام میدهند، که این کارها خوب است در یک صراط قرار بگیرد؛ یعنی این دو مجموعه‌ی کاری با یکدیگر هم‌افزایی کند، تا ان‌شاءالله نتایجی عاید کشور و عاید دانشگاه کشور در این زمینه بشود.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1393/04/11**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

حقیقتاً ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1393/04/11**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

حرف این است که مبنای علوم انسانی غربی، مبنای غیرالهی است، مبنای مادی است، مبنای غیر توحیدی است؛ این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1393/04/11**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ این امروز در دانشهای علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ روی این بایستی کار کرد، فکر کرد.

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1392/09/19**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

مسئله‌ی علوم انسانی هم مسئله‌ی دیگری است که خیلی مهم است. البته آقای دکتر حدّاد - مثل اینکه نیستند امروز اینجا - يك گزارش مفصّل و خوبی به من دادند در مورد کارهایی که در زمینه‌ی علوم انسانی در هیئتی که ایشان مسئول آن هستند انجام گرفته، که خب بعضی از دوستان هم از نداشتن خروجی این کار گله‌مندند و شکایت میکنند، که اینها در جلسه‌ی شورا باید مطرح بشود. به نظر بنده اساسی‌ترین کار هم این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اوّلی است که بایستی انجام بگیرد.

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1392/09/19**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

اساسی‌ترین کار این است که مبنای علمی و فلسفی تحول علوم انسانی باید تدوین بشود؛ این کار اساسی و کار اولی است که بایستی انجام بگیرد.

مربوط به: **دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی فیلم عمار با رهبر انقلاب - 1391/12/01**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها): جستار، جمله‌های برگزیده

متن فیش:

علوم انسانی هوای تنفسی مجموعه‌های نخبه کشور است که هدایت جامعه را بر عهده دارند بنابراین آلوده یا پاک بودن این هوای تنفسی بسیار تعیین کننده است.

مربوط به: **دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی فیلم عمار با رهبر انقلاب - 1391/12/01**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها): جستار، جمله‌های برگزیده

متن فیش:

اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه‌های معرفتی علوم انسانی غربی امکانپذیر نیست و اصلاح این پایه‌ها نیز در گرو ارتباط موثر با حوزه‌های علمیه و علمای دین است.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی - 1390/07/13**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها): جستار

متن فیش:

یک روزی یک چیزهائی گفته میشد که به گوشها سنگین می‌آمد. من یک روزی مسئله‌ی «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاها نشستند روی کلمه‌ی «تولید علم» دارند خدشه میکنند - حالا یک مناقشه‌ی لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمیرود. این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد. و کار کنید، فکر کنید؛ حتماً تأثیر دارد.

از من سؤال شد نظرم در مورد علوم پایه چیست؟ همین طور که اشاره کردند، من چندین بار راجع به علوم پایه بحث کرده‌ام. من علوم پایه را خیلی مهم میدانم. من یک وقتی گفتم علوم پایه در مقایسه‌ی با علوم کاربردی‌ای که ما داریم، مثل یک ذخیره‌ی بانکی است در مقابل پولی که شما توی جیب‌تان میگذارید. شما برای خودتان یک مقدار ذخائر بانکی دارید که پشتوانه‌ی کار

شما، مایه‌ی امید شما، منشأ درآمدهای شما آن است. البته یک مقدار هم پول توی جیب‌تان میگذارید و خرج میکنید. نمیخواهیم جسارت کنیم؛ واقع قضیه این است. این علوم کاربردی‌ای که امروز وجود دارد، اینها همه‌اش همین پولهای است که ما داریم خرج میکنیم. یک ملت مجبور است مهندسی داشته باشد، شهرسازی داشته باشد، صنایع داشته باشد، پزشکی داشته باشد، سلامت و درمان داشته باشد؛ اینها پولهای است که روزانه داریم خرج میکنیم؛ اما مایه و ریشه‌ی اصلی این علوم، علوم پایه است.

من امسال ماه رمضان هم راجع به علوم انسانی یک صحبتی با همین دانشجویها و جوانها کردم، قبلاً هم یک صحبت‌هایی داشتم، ان‌شاءالله بعداً هم ما یک جلسه‌ی مخصوص علوم انسانی با همین اصحاب فکر و فرهنگ و امثال شما جوانهای خوب خواهیم داشت. علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه‌ی دانشها، همه‌ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخص میکند که ما کدام طرف داریم میرویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه‌ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش میرود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده‌ی بی‌نظیر تاریخی است؛ اما این دانش در طول سالهای متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده‌داری و برده‌گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالاکشیدن ثروت ملتها به کار رفته؛ امروز هم که می‌بینید چه کار دارند میکنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهتگیری غلط است که این علم با این عظمت - که خود علم یک چیز شریفی است، یک پدیده‌ی عزیز و کریمی است - در این جهتها به کار می‌افتد. البته در مورد علوم انسانی نکات خوبی را یکی از دوستان اینجا بیان کردند.

مربوط به : **بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - 1390/05/19**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

یک نکته‌ای را این خانم محترم در مورد علوم انسانی بیان کردند، که کاملاً درست است. اولاً مطلبی که گفتند، بسیار مطلب سنجیده و دقیقی بود. اینکه پشت سر پیشرفت علوم، پیشرفت فکر وجود دارد؛ اینکه مبدأ تحول ملتها بیش و پیش از آنچه که علم و تجربه باشد، فکر و اندیشه است، کاملاً حرف درست و اثبات شده‌ای است. به همین دلیل است که من روی مسائل علوم انسانی حساسیت به خرج میدهم. ما به هیچ وجه نگفتیم که دانسته‌های غربی‌ها را که در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی پیشرفته‌های چند قرن‌ی زیادی داشتند، یاد بگیریم یا کتابهای اینها را نخوانیم؛ ما می‌گوئیم تقلید نکنیم. در بیانات این خانم هم همین نکته وجود داشت و نکته‌ی درستی است.

مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه میگیرد. هر کس که تاریخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص میدهد. خب، رنسانس مبدأ تحولات گوناگونی هم در غرب شده؛ اما مبانی فکری ما با آن مبانی متفاوت است. هیچ ایرادی هم ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات و همه‌ی رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده، استفاده کنیم. من بارها گفته‌ام که ما از یادگیری به هیچ وجه احساس سرشکستگی نمیکنیم. لازم است یاد بگیریم، از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم - «اطلبوا العلم ولو بالصین» - خب، این که روشن است. ما از این احساس سرشکستگی نمیکنیم که این یادگیری به دانائی و آگاهی و قدرت تفکر خود ما منتهی نشود. همیشه که نمیشود شاگرد بود؛ شاگردی میکنیم تا استاد شویم. غربی‌ها این را نمیخواهند؛ سیاست استعماری غرب از قدیم همین بوده؛ میخواهند در دنیا یک تبعیضی، یک دو هویتی‌ای، یک دو درجه‌ای در مسائل علمی وجود داشته باشد.

یکی از علوم انسانی، تاریخ است. باز هم من توصیه میکنم که تاریخ بخوانید. تاریخ دوره‌ی استعمار را بخوانید تا ببینید غربی‌ها علی‌رغم ظاهر نونوار اتوکشیده‌ی ادکلن‌زده‌ی منظم و مرتب و داعیه‌های حقوق بشرشان، چه وحشیگری عظیمی در این مقوله

کردند. نه اینکه فقط آدم‌ها را بکشند؛ در دور نگهداشتن ملت‌های تحت استعمار خودشان از عرصه‌ی پیشرفت و امکان پیشرفت در همه‌ی زمینه‌ها هم تلاش زیادی کردند. ما می‌خواهیم این اتفاق نیفتد. ما می‌گوئیم علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و این را به دنیا صادر کنیم. بله، وقتی که این اتفاق افتاد، آنگاه هر یک نفری که از مرزهای ما خارج می‌شود، مایه‌ی امید و اتکای ماست. بنابراین ما می‌گوئیم در این علوم مقلد نباشیم. حرف ما در زمینه‌ی علوم انسانی این است.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - 1390/05/19**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

در مورد علوم انسانی که صحبت شد، این نکته را من عرض بکنم؛ آنچه که ما در باب علوم انسانی گفتیم و من تکرار می‌کنم، همان چیزی است که عرض شد: ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم. اما حالا فرض کنید که فلان رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه حذف بشود یا حذف نشود یا کم بشود؛ من روی این چیزها هیچ نظری ندارم. من نه نفی می‌کنم، نه اثبات می‌کنم؛ یعنی کار من نیست، کار مسئولین است. ممکن است مصلحت بدانند بعضی از رشته‌ها را حذف کنند یا نکنند؛ حرف من این نیست؛ حرف من این است که در باب علوم انسانی کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند.

مربوط به: **بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰ - 1390/01/01**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

در مورد شعار امسال و کاری که امسال باید انجام بگیرد. البته سرفصل‌های مهمی وجود دارد که همه دارای اولویتند. مثلاً تحول نظام اداری یک کار لازم است که باید انجام بگیرد؛ تحول آموزش و پرورش، یک کار بنیانی است؛ جایگاه علوم انسانی در دانشگاه‌ها و در مراکز آموزش و تحقیق، یک کار اساسی است

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه علمیه قم - 1389/08/02**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

یک نکته هم در مورد علوم انسانی که برادر عزیزمان آقای فتحعلی‌خانی بیان کردند، عرض کنم. ببینید، ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیر مفید است؛ ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است؛ بحث سر این است. محل کلام بین آنچه که ما می‌گوییم و آنچه که ایشان فرمودند، دو تاست. اصلاً مرکز اثبات و نفی، یک چیز نیست. بحث سر این نیست که ما جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا علم مدیریت یا تعلیم و تربیت نمی‌خواهیم یا چیز خوبی نیست یا فایده‌ای ندارد. چرا؛ قطعاً خوب است؛ قطعاً لازم است. من یکی از حرف‌هایی که دارم، همین رشته‌ی تعلیم و تربیت در حوزه است. بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند، مبتنی بر یک جهان‌بینی است غیر از جهان‌بینی

ما. علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان‌بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی ما برخاسته‌ای از تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. قبلاً که علوم انسانی‌ای وجود نداشته است؛ آنها آمده‌اند همین اقتصاد را، همین جامعه‌شناسی را در قرن هجدهم و نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خب، این به درد ما نمی‌خورد. این علوم انسانی، تربیت‌شده و دانش‌آموخته‌ی خود را آنچنان بار می‌آورد که نگاهی به مسائل مبتلابه آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیر اسلامی است. می‌بینیم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او درباره‌ی مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد میکند، نه؛ اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او حرف می‌زنید، با یافته‌های علمی او، با آن دو دو تا چهار تاهائی که او در این علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید.

من با ورود علوم انسانی به حوزه‌ی علمیه اصلاً مخالفتی ندارم. من می‌گویم حوزه‌ی علمیه باید پایه‌های علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام را مستحکم بریزد؛ همان کاری که در اول انقلاب جناب آقای مصباح و تشکیلات ایشان شروع کردند؛ که اگر تا امروز ادامه پیدا می‌کرد، به یک جاهایی میرسید. باید این پایه‌ها ریخته شود؛ و این ممکن نخواهد شد، مگر اینکه با علوم انسانی آشنا باشیم؛ شکی در این نیست. بنابراین در حوزه علمیه علوم انسانی را بخوانند، اینها را یاد بگیرند، صورت‌بندی مسائل و عناوین را در این علوم فرا بگیرند؛ بعد برگردند به مبانی اسلامی، ببینند مسائل متناظر آنها با تفکر اسلامی چگونه است و چگونه شکل می‌گیرد. بنابراین من نمی‌گویم علوم انسانی نافع نیست، می‌گویم اینی که هست مضر است؛ آنی که باید باشد، لازم است.

مربوط به: **بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم - 1389/07/29**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

اینکه بنده درباره‌ی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و خطر این دانش‌های ذاتاً مسموم هشدار دادم - هم به دانشگاه‌ها، هم به مسئولان - به خاطر همین است. این علوم انسانی‌ای که امروز رائج است، محتواهائی دارد که ماهیتاً معارض و مخالف با حرکت اسلامی و نظام اسلامی است؛ متکی بر جهان‌بینی دیگری است؛ حرف دیگری دارد، هدف دیگری دارد. وقتی اینها رائج شد، مدیران بر اساس آنها تربیت میشوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هائی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دین و علمای صاحب‌نظر و نظریات اسلامی است؛ لذا نظام موظف به حمایت از حوزه‌های علمیه است، چون تکیه‌گاه اوست.

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها - 1389/04/02**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

در دانشگاه پرورش انسان در تراز شهید چمران لازم است؛ این را لازم داریم. خب پس استاد بسیجی میدانند در دانشگاه بایست چه کار کند؛ این حضور دائم، این حضور بجا و بهنگام، این حضور مخلصانه و مجاهدانه برای استاد بسیجی به این معناهاست که گفته شد. و استاد خیلی نقش دارد. نقش استاد در محیط‌های آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده‌ی دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد میتواند مربی باشد؛ استاد، تربیت کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد،

علی‌الظاهر از تأثیر بقیه‌ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد میتواند یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجو یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسانهای متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه، شما گاهی یک جا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - میتوانید یک کلمه بر زبان‌تان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان میماند و او را تبدیل میکند به یک انسان مؤمن. استاد اینجوری است.

عکسش هم البته هست. متأسفانه اساتیدی در دانشگاه‌های امروز ما هستند - اگرچه کمند - که درست نقطه‌ی مقابل عمل میکنند - حالا درسشان هرچی هم که است؛ مربوط است یا نیست - و با یک کلمه، این جوان را از آینده‌ی خودش ناامید میکنند، از آینده‌ی کشورش ناامید میکنند، از آینده‌ی حضورش در کشور ناامید میکنند، او را به میراث گذشته‌ی خودش بی‌اعتنا میکنند، او را تشنه‌ی نوشیدن از سرچشمه‌های ناسالم و آلوده‌ی بیگانگان میکنند و رها میکنند. از این قبیل هم داریم. استاد یک چنین نقشی دارد. بنابراین با معنائی که برای بسیج میکنیم، با معنائی که برای استاد میکنیم و با تلقی‌ای که از استاد بسیجی داریم، معلوم میشود که نقش شماها در دانشگاه چقدر نقش حساسی است.

مربوط به: **بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - 1389/01/01**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

ما نباید بگذاریم وقت بگذرد. هر سالی از سالهایی که دوران انقلاب گذرانده است، و در هر سالی هر ماهی، و در هر ماهی هر روزی، وزن و مقداری دارد، ارزشی دارد؛ نباید این را از دست داد. ممکن است در هشت ماه از سال 88 که اشتغالات فتنه‌انگیزان بعضی از ذهنها را به خود مشغول کرد، برخی از کارها نیمه‌کاره مانده باشد؛ باید جبران بشود. باید حرکت، یک حرکت سریعی باشد. عرصه‌های گوناگونی وجود دارد؛ عرصه‌ی علم و تحقیق در درجه‌ی اول، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در همه‌ی زمینه‌ها، علوم تجربی، علوم انسانی در همه‌ی بخشهایی که برای کشور مورد نیاز است، بایستی هم‌تشان را در تحقیق و علم افزایش بدهند؛ مراحل دورتری را در مقابل چشمشان و مد نظرشان قرار بدهند؛ کار را باید متراکمتر کنند. من عرض کردم؛ باید جوانان ما هم‌تشان این باشد که با گذشت یکی دو دهه‌ی دیگر، کشورشان را یک مرجع علمی برای دانشمندان جهان قرار بدهند. پس این شد همت مضاعف و کار مضاعف در عرصه‌ی علم و تحقیق.

مربوط به: **بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران - 1388/11/13**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

حالا مقداری اختراعات انجام گرفته، کارهای جدیدی انجام گرفته. پیشرفت‌ها را شاید من یک مقدار بیشتر هم بدانم؛ چون گزارشهای گوناگون از جاهای مختلف به ما خیلی میرسد؛ اما حقیقتاً بنده راضی نیستم و این مقدار پیشرفت علم راضی کننده نیست. حالا اینها مطالبی است که فقط در این جمعها میشود گفت. وقتی میگوئیم از این مقدار پیشرفت راضی نیستیم، نه اینکه ما میتوانستیم و نکردیم؛ نه، ممکن است هیچ کس هم مقصر نباشد، و بیشتر از این هم نمیشده. ممکن است واقع مطلب هم همین باشد، اما همین واقعیت برای بنده واقعاً خشنود کننده نیست؛ ما هنوز خیلی فاصله داریم تا آنجائی که باید به آن برسیم. من توقع زیادی هم ندارم. بنده عرض نمیکنم که حتماً در ظرف ده سال یا بیست سال بایستی به ردیفهای اول علمی دنیا برسیم - حالا نمیگویم ردیف اول - لیکن باید هدف ما این باشد؛ ولو در ظرف پنجاه سال کشور از اسارت علمی مطلقاً خارج بشود. تولید علم معنایش این است. علم یک محصولی نیست که تولیدش مثل تولیدهای دیگر باشد؛ به خیلی مقدمات

نیازمند است؛ ولی باید بالاخره ما به آنجا برسیم که دانش را گسترش و بسط بدهیم، به ژرفای دانش برسیم، دانش‌های جدیدی را پیدا کنیم. دانش‌های ممکن برای بشر فقط همین دانش‌هایی نیست که ما امروز داریم؛ بسیاری دانش‌ها قطعاً وجود دارد که بعدها بشر به آنها خواهد رسید؛ کماینکه بسیاری از دانش‌ها تا صد سال پیش نبود. خیلی از این علوم انسانی که صحبت کردند، تا صد سال پیش، از اینها خبری نبود؛ نه علم وجود داشت، نه تحقیقات علمی در آن رشته‌ها وجود داشت؛ بعد به وجود آمد. بشر قابلیت اتساعش خیلی بیش از اینهاست. عالم قابلیت معرفت و شناختش خیلی بیشتر از اینهاست. ما باید به جایی برسیم که در این عرصه‌ها هرچه ممکن است، پیش برویم؛ هرچه ممکن است، بفهمیم. و البته علم را وسیله‌ی سعادت انسان قرار بدهیم. تفاوت نگاه دین - یعنی اسلام - به علم، با نگاهی که دنیای مادی به علم مینگریست، در همین است. ما علم را میخواهیم برای سعادت بشر، برای رشد بشر، برای شکوفائی بشر، برای استقرار عدالت و آرزوهای قدیمی بشر.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور - 1388/07/28**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

من درباره‌ی علوم انسانی گلیایه‌ای از مجموعه‌های دانشگاهی کردم - بارها، این اواخر هم همین جور - ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، میاوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم میدهم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آنوقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی میتوانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آنوقت میتوانند از پیشرفتهای دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها - 1388/06/08**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

طبق آنچه که به ما گزارش دادند، در بین این مجموعه‌ی عظیم دانشجویی کشور که حدود سه میلیون و نیم مثلاً دانشجوی دولتی و آزاد و پیام نور و بقیه‌ی دانشگاه‌های کشور داریم، حدود دو میلیون اینها دانشجویان علوم انسانی‌اند! این به یک صورت، انسان را نگران میکند. ما در زمینه‌ی علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟ کتاب آماده در زمینه‌های علوم انسانی مگر چقدر داریم؟ استاد مبرز که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت یا غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم، که این همه دانشجو برای این رشته‌ها میگیریم؟ این نگران کننده است. بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر فلسفه‌هایی هستند که مبنایش مادپرستی است، مبنایش حیوان انگاشتن انسان است، عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان است. خوب، این علوم انسانی را ترجمه کنیم، آنچه را که غربی‌ها گفتند و نوشتند، عیناً ما همان را بیاوریم به جوان خودمان تعلیم بدهیم، در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی و ارزشهای خودمان را در قالبهای درسی به جوانها منتقل کنیم؛ این چیز خیلی مطلوبی

نیست. این از جمله‌ی چیزهائی است که بایستی مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مجموعه‌های دولتی مثل وزارت علوم، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی، هم در هر مرکز تصمیم‌گیری که در اینجا وجود دارد؛ اعم از خود دانشگاه‌ها و بیرون دانشگاه‌ها.

مربوط به: **بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان - 1388/02/27**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاه‌ها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفتمان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسند کننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهائی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسئله تولید علم است. این بسیار بارز است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقبیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت‌مان بیشتر باشد باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راه‌های میان‌بر استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم.

رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. همچنان‌که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی میشود و احساس غبن میکند، در زمینه‌ی علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد میکنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. والا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اول انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند.

البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمیت علوم انسانی کمتر از آن نیست؛ جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضی‌ها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این جوری گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله‌ی کارهائی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

مربوط به: **ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه - 1387/10/21**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): **تحول و ارتقاء علوم انسانی**

نوع(ها): جستار

متن فیش:

تحول و ارتقاء علوم انسانی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیتهای پژوهشی و ترویج نظریه‌پردازی، نقد و آزاداندیشی.

مربوط به: **بیانات در دیدار دانشجویان - 1387/07/07**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

از بیراهه‌ها باید ترسید. گاهی اوقات یک چیزها و راه‌هایی را برای پیشرفت پیشنهاد میکنند که بیراهه است. یک نمونه‌اش را گفتم؛ مثل پیشرفتهای دوره‌ی پهلوی که حقیقتاً بعضی‌اش توقف و بعضی‌اش پسرفت و سقوط بود - که حالا جای تفصیلش در این جلسه نیست؛ چون وقت نیست - آن یک الگو بود که واقعاً بیراهه بود؛ به ظواهر دلخوش کردن، غربی‌ها را معیار و ملاک قرار دادن و دنبال آنها حرکت کردن که نتیجه‌اش همین میشود که در آن پنجاه شصت سالِ شوم و سیاه در دوران پهلوی مشاهده شد.

یک نمونه‌ی دیگر از این بیراهه‌ها، نمونه‌هایی است که گاهی ممکن است در زمان ما هم پیدا بشود؛ باید توجه داشت. در این نمونه‌ی دوم، اسمی از ظواهر آورده نمیشود، هویت ایرانی و اسلامی هم مثل آنچه که در آن شکل اول دیده میشد، نفی نمیشود؛ لیکن یک حالت نومیدی از تحرک و پیشرفت در این مسابقه در سیاستگذاران و سررشته‌داران امور و سخنگویان جامعه مشاهده میشود. یعنی نگاهی که به غرب میکنند، یک نگاه به یک نقطه‌ی والا و دست‌نیافتنی است، اسمش را هم میگذارند واقع‌بینی! میگویند آقا واقع قضیه چیست؛ امروز اینها از لحاظ علمی اینقدر جلویند، در زمینه‌های گوناگون این همه پیشرفت کرده‌اند؛ این همه نظریات مختلف در علوم انسانی، در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی؛ این همه نظر، این همه فکر، این همه نظریه‌ی نو، ابتکاری ارائه داده‌اند؛ ما کی میتوانیم به گرد اینها برسیم؟ یعنی یک چنین روحیه‌ای در آنها وجود دارد. بارها در طول این سی سال، بنده خودم با افرادی از این قبیل مواجه بودم که چه با زبان صریح یا نیمه صریح یا با زبان حال، همین معنا را بیان میکردند که «آقا ما البته باید پیشرفت کنیم، اما دنبال اینها باید حرکت کنیم! ما که نمیتوانیم به گرد اینها برسیم، چه برسد به اینکه از اینها جلو بزنیم؛ چرا بیخود زحمت میدهید خودتان را؟». این هم یک بیراهه است.

مربوط به : **بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز - 1387/02/14**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

مسیر پیشرفت، مسیر غربی نیست، مسیر منسوخ و برافاده‌ی اردوگاه شرقِ قدیم هم نیست. بحرانهایی که در غرب اتفاق افتاده است، همه پیش روی ماست، میدانیم که این بحرانها گریبانگیر هر کشوری خواهد شد که از آن مسیر حرکت کند. پس ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب.

راه حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد، این راه حل را شما باید پیدا کنید. شما باید به نتیجه برسید، به این استنتاج برسید، اما آنچه که من میتوانم به عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی. بسیاری از حوادث دنیا حتی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و غیره، محکوم نظرات صاحب‌نظران در علوم انسانی است؛ در جامعه‌شناسی، در روان‌شناسی، در فلسفه؛ آنها هستند که شاخصها را مشخص میکنند. در این زمینه‌ها ما باید نظریه‌پردازهای خودمان را داشته باشیم و باید کار کنیم؛ باید تلاش کنیم؛ دانشجو باید تلاش کند. دانشجو و محیط دانشگاه باید نگاه کلان به هدفهای انقلاب داشته باشد؛ دنبال آنها برود. مراقب باشید دشمن نتواند از محیط دانشگاه و از عنصر دانشجو و استاد استفاده کند. این آن چیزی است که من روی آن تأکید میکنم. می‌بینید یک حادثه‌ی کوچکی اتفاق می‌افتاد، حالا در همین دانشگاه خودتان، یک تعدادی مثلاً شاید در یک قضیه‌ای گله‌مندند، معترضند؛ ببینید بلافاصله در دنیا روی آن تفسیر میگذارند، تحلیل میگذارند، نه با جهتی که آن دانشجو به خاطر آن جهت این حرکت را انجام داده، این اقدام را کرده،

بلکه درست در نقطه‌ی مقابل آن جهت. یعنی حاکمیت را، نظام را، اسلام را زیر سؤال می‌برند با این وسائل. باید هشیار بود؛ در محیط دانشگاه این هشیار از همیشه لازم‌تر است.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز - 1387/02/14**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی، علوم انسانی، نظریه‌پردازی، تولید علم

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی، علوم انسانی، نظریه‌پردازی، تولید علم

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها - 1385/07/13**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهی همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همهی بخش‌هاست؛ هم در بخش‌های علوم انسانی، هم در بخش‌های علوم تجربی، هم در بخش‌های نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخش‌های علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌پسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همهی زمینه‌های علمی - چشم‌پسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربیها چه می‌گویند. درست است که غربیها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی هم رسیدند؛ در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم؛ با همهی افتخارات گذشتهمان، به خاطر تنبلیها و سوءسیاستها؛ در این تردیدی نیست. اما من قبلاً هم گفته‌ام، ما از شاگردی کردنِ پیش کسی که بلد است، ننگمان نمی‌آید؛ ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآوری لازم است. اعتماد به نفسِ شخصی و اعتماد به نفسِ ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمپاش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفسِ ملی داشته باشد. به قابلیت و تواناییهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکاری؛ ما یک مقداری از ناحیه‌ی کمکاریهایمان و تنبلیهایمان - در بخش‌ها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کارِ متراکم و انبوه، علاج کارِ پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاه‌ها.

نکته‌ی سوم این است که - این شاید دنباله‌ی آن مطلب قبلی باشد - بنده از چند سال قبل از این، مسئله‌ی تولید علم و نهضت علم و خطشکنی علمی را مطرح و درخواست کردم. امروز خوشبختانه این به یک خواست عمومی در محیط‌های دانشجویی و علمی تبدیل شده است. می‌بینیم بارها از زبان دانشجویان و اساتید تکرار میشود. ما هم با پیشرفتهایی که در زمینه‌های مختلف علمی و فناوری داشته‌ایم - که خوب، خلیه‌هایش هم آشکار است و در تبلیغات آمده؛ مثل مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای و غیره؛ خلیه‌هایش هم نیامده؛ یعنی واقعاً کارهای نیمه‌کارهای است که در جهت کامل‌تر شدن و کامل شدن هست، و ما در کشور زیاد داریم - به این چیزها افتخار می‌کنیم. و همینطوری که گفتم، نگاهمان نگاهِ امیدوارانه است و به عنوان اینکه «ما میتوانیم».

ما یک نکته را باید بگوییم: خطشکنی علمی و عبور از مرزهای علم همچنان در کشور ما، جدی نشده است. ما میخواهیم علما

و دانشمندان ما، راه‌های میانبر را پیدا کنند؛ راه‌های کشف نشده را از این بینهایت مسیرهایی که در عالم طبیعت وجود دارد و بشر باید یکی پس از دیگری کشف بکند. ما می‌خواهیم راه‌های کشف نشده را کشف بکنیم. اینی که می‌توانیم فلان ابزار فناوری را، فرض کنید سانتریفیوژ را برای کار هسته‌ای، که دیگران قبل از ما، سالها پیش، پیدا کردند و تولید کردند و استفاده و بهره‌برداری کردند، خودمان بسازیم، البته کار بزرگی است که بدون کمک دیگران توانستیم انجام بدهیم و نسل‌های جدید آن را تولید کنیم، در این شکی نیست؛ اما این یک کار بکر نیست؛ این کار انجام شده و راه رفته‌ای است که دیگران رفته‌اند و ما هم که بنا بوده تا پنجاه سال دیگر، تا صد سال دیگر محروم بمانیم - بنا نبود این فناوری و این دانش به کشوری مثل کشور ما و ملت ما داده بشود - جوانها، دانشمندان و پژوهشگران ما توانستند با پیگیری و تلاش خودشان به دست آورند و این چیز باارزشی است؛ اما من می‌گویم در زمینه علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهی همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکستیم و یک قدم به جلو برداشتیم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدم‌های جدید، مستلزم پیمودن راه‌های رفته‌شده و طیشدهی به وسیلهی دیگران است؛ در این شکی نیست. اما هیچوقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راه‌های میانبر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) - 1384/10/29**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

من در جلسه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی هم به آن آقایانی که مؤثرین در فرهنگ هستند، گفته‌ام که شماها جایگاه مهندسی فرهنگی را در این کشور دارید. در آن جلسه گفته‌ام که دو شاخه اصلی وجود دارد: علوم انسانی و علوم پایه؛ هر کدام به جای خود. اگر ما این‌جا روی علوم انسانی تکیه می‌کنیم، معنایش این نیست که روی ریاضی و فیزیک و شیمی و علوم زیستی تکیه نمی‌کنیم، چرا؛ آن‌جا هم بنده یک تکیه صددرصدی دارم؛ آنها هم برای خودشان مردانی و کسانی دارند؛ علوم انسانی هم بایستی مردان و کسانی برای خودشان داشته باشد. باید روی این دو شاخه - دو شاخه اصلی؛ یعنی علوم انسانی و علوم پایه - در کشور، سرمایه‌گذاری فکری، علمی، پولی و تبلیغی بشود تا این‌که پیش بروند. علم را بایستی در حدّ اعلا دنبال کنید.

شکی نیست که بسیاری از علوم انسانی، پایه‌ها و مایه‌های محکمی در این‌جا دارد؛ یعنی در فرهنگ گذشته‌ی خود ما. برخی از علوم انسانی هم تولید شده‌ی غرب است؛ یعنی به عنوان یک علم، وجود نداشته، اما غربی‌ها که در دنیای علم پیشروی کرده‌اند، اینها را هم به وجود آورده‌اند؛ مثل روانشناسی و علوم دیگر. خیلی خوب، ما، هم برای سرجمع کردن، مدّون کردن، منظم کردن و نظام‌مند کردن آنچه که خودمان داریم، به یک تفکر و تجربه علمی احتیاج داریم، هم برای مواد و پایه‌هایی که آنها در این علم جمع آورده‌اند، به یک نگاه علمی احتیاج داریم. منتها گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه‌ی خارج از محدوده‌ی مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می‌ماند که شما یک کارخانه را وارد می‌کنید، آنها با این کارخانه یک چیز بد درست می‌کرده‌اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد. ما تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن و جوّ زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد. ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید. امروز غربی‌ها یک منطقه‌ی ممنوعه‌ای در زمینه علوم انسانی به وجود آورده‌اند؛ در همه‌ی بخش‌های مختلف؛ از اقتصاد و سیاست و جامعه‌شناسی و روانشناسی بگیرد تا تاریخ و ادبیات و هنر و حتی فلسفه و حتی فلسفه‌ی دین. یک عده آدم ضعیف‌النفس هم دلباخته‌ی اینها شده‌اند و نگاه می‌کنند به ذهن اینها که ببینند چه می‌گویند؛ هر چه آنها گفته‌اند، برایشان می‌شود وحی مُنزل؛ این است که بد و غلط است. مثلاً چند تا فکر دارای اقتدار علمی، در یک نقطه‌ی دنیا به یک نتیجه‌ای رسیده‌اند، این معنایش این نیست که هر آنچه که آنها فهمیده‌اند، درست است؛ شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه‌ی دین، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آنها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی

یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم. البته مقداری از خود این سخن، مربوط به آن سخن خطاب به شما به عنوان دانشجوی امام صادق است، که دوستان در زمینه‌ی اقتصاد مطالبی را بیان کردند. خوب، مطالب خوبی هم هست و باید دنبال بشود.

مربوط به: **بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) - 1384/10/29**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

شما باید در علم، یک حرکتی به وجود آورید؛ باید در دنیای دانش‌آموزی و پیشرفت علم و بنای علمی کشور، یک تحرّکی به وجود آورید؛ این است آن رسالت اصلی شما. کاری کنید که دانشمندان مسلمان و مؤمن ما، در رشته‌های مختلف علوم انسانی، صاحب‌نظرانی شوند که دنیا از نظرات اینها استفاده کند؛ امروز در دنیا و حتی در همین دنیای گمراه غربی، افراد بسیاری هستند که به دنبال حقیقت‌اند؛ انسان‌های دانشمند و دانش‌پژوهی هم در بین اینها هستند و فراوان‌اند، و کم هم نیستند که دنبال حرف حساب و حق‌اند؛ یک چنین انسانی در هر نقطه‌ی دنیا - در کشورهای اروپایی، آسیایی، امریکا و جاهای دیگر - وقتی دارد دنبال یک مطلبی می‌گردد، باید بتواند اثر علمی شما را در این پایگاه رایانه‌ای پیدا کند؛ حرف و فکر و راه تازه‌ای را که شما دارید نشان می‌دهید. این را ما از دانشگاه امام صادق می‌خواهیم. خروجی دانشگاه امام صادق باید با این نیت و فکر، بتواند متخرج این دانشگاه بشود. بنابراین دانشگاه را قوی کنید.

همین نهضت نرم‌افزاری و تولید علم که بنده گفته‌ام، در دانشگاه شما و در رشته‌ی علوم انسانی، همین است که هر چه می‌توانید بیشتر بیاموزید و تحقیق کنید. البته همان‌طور که گفتم، اساتیدی هستند که فرآورده‌های اندیشه‌های غربی در علوم انسانی، بت آنهاست. در مقابل خدا می‌گویند سجده نکنید؛ اما در مقابل بت‌ها به راحتی سجده می‌کنند؛ دانشجوی جوان را دست او بدهی، بافت و ساخت فکری او را همان‌طوری که متناسب با آن بت خود او است، می‌سازد؛ این ارزشی ندارد و درست نیست. بنده به این‌طور افراد، هیچ اعتقادی ندارم. این استاد هر چه هم دانشمند باشد، وجودش نافع نیست، مضرّ است. امروز خوشبختانه ما دانشمندان جوانِ مؤمن و تحصیل‌کرده‌های باایمان داریم که می‌توانند یک حرکت علمی فراگیر و به معنای واقعی کلمه، در عرصه‌ی علوم انسانی به وجود آورند؛ از اینها باید استفاده بشود. مواظب باشید دچار آن بت‌پرستی نشوید؛ آن کسی که در فلسفه، اقتصاد، علوم ارتباطات و سیاست، همان حرفی که از دهن یک متفکر غربی درآمده، آن را حجت می‌داند؛ حالا گاهی اوقات آن حرف هم در خود غرب نسخ شده؛ از این نمونه‌ها ما زیاد هم داریم. یک مطلبی را چهل، پنجاه سال پیش، یک فیلسوف اجتماعی یا سیاسی در غرب گفته و بعد آمدند ده تا نقد بر آن نوشته‌اند؛ این آقا تازه به حرف آن پنجاه سال قبل دست یافته و به عنوان حرف نو، به داخل کشور می‌آورد و با به‌به و چه‌چه آن را به خورد دانشجو و شاگرد و محیط خودش می‌دهد؛ از این قبیل هم داریم. چقدر براساس همین نظرات اقتصادی غربی، بانک جهانی و مجامع پولی و مالی جهانی به ملت‌ها و دولت‌ها برنامه‌ها دادند و چقدر از طرف خود غربی‌ها علیه آنها موارد نقض نوشته شده؛ باز هم کسانی را داریم که همان توصیه‌ها را می‌آیند عیناً تکرار می‌کنند و عیناً همان نسخه‌ها را می‌نویسند. این غلط است. تحقیق علمی به معنای فقط فراگیری و تقلید نیست؛ تحقیق، ضد تقلید است. این کار، کار شماست.

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1384/10/13**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

مسأله‌ی دیگر، مسأله‌ی توسعه‌ی علمی کشور است که من البته عمیقاً و جداً باور دارم که مشکلات این کشور جز با توسعه‌ی

علم و تعمیم و تعمیق علم در کشور پیش نخواهد رفت. ما ناگزیر بایست این فاصله‌ی چندین ده‌ساله‌ی را که برای ما به وجود آورده‌اند، پُر کنیم. داریم می‌بینیم که دنیای دانشمندان با تکیه به علم، چه حرف زوری را به همه می‌زند و چطور به برکت علمی که دارند، ناحق‌هایی را حق می‌کنند. شما امروز ملاحظه کنید: شنود تلفنی غیرقانونی و بدون اجازه‌ی قاضی، شکنجه در گوانتانامو، بردن و آوردن زندانی‌ها و ربودن انسان‌ها از کشورهای اروپایی بدون اجازه‌ی دولت‌ها یا با قرارداد با سرویس‌های امنیتی دنیا، حمله‌ی به یک کشور و بردن نفت و خوردن اموال، کشتن آدم‌ها؛ همه‌ی این کارها را قدرتی از قدرت‌های دنیا انجام می‌دهد و در دنیا انکار هم نمی‌کنند! در حالی که ما استدلال می‌کنیم، مجاحه می‌کنیم، بحث می‌کنیم؛ او بدون این که به ظاهر خم به ابرو بیاورد، کار خودش را دنبال می‌کند! چرا؟ چون علم دارد و این علم توانسته او را مجهز کند به ثروت، به ابزار جنگی و به قدرت سیاسی. اگر ما بخواهیم کشورمان، ملت‌مان و امت اسلامی خود را به نقطه‌ی برسانیم که بتواند حرف حق خودش را با همین شجاعت بزند، احتیاج به علم داریم. این، مخصوص ما هم نیست، بلکه متعلق به همه‌ی کشورهای اسلامی است و ما باید برای کشورهای اسلامی مادر علم بشویم. بار به دوش ماست؛ ماییم که هم امید داریم، هم ایمان داریم، هم احساس توانایی در خودمان می‌کنیم برای این کار و هم ابزارش را داریم؛ یک ملت خوب و بااستعداد. ما که این همه جوان بااستعداد داریم، بایست یک خیز بلند برداریم و یک کار بنیانی و عمیق در زمینه‌ی علم انجام بدهیم، بعد باب علم را باز کنیم به روی کشورهای مسلمان. بنابراین، مسأله‌ی توسعه‌ی علمی کشور چیز مهمی است.

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - 1384/10/13**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

در زمینه‌ی علم، من بر نقطه‌ی خاص می‌خواهم تأکید کنم: یکی، علوم پایه است؛ یکی، علوم انسانی.

ما به دنیا که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آن چیزی که کشورهای پیشرفته را توانسته به این اوج و قله برساند، ریاضی، فیزیک، شیمی و علوم زیستی است؛ ما باید به این علوم بپردازیم. البته در سال‌های بعد از انقلاب - قبل از انقلاب هم به شکل جریان ضعیف‌تر - پزشک، مهندس و به میزان زیاد حقوق‌دان تربیت کردیم که این تخصص‌ها لازم است و برای یک کشور مثل آب و هواست؛ منتها توجه بکنیم که تربیت پزشک، تربیت مهندس، تربیت حقوق‌دان، تربیت معلم، تربیت نیازهای روزمره‌ی جامعه است و ما باید محقق هم تربیت کنیم که بتواند آینده را برای ما صاف کند. مهندس، این بنا را برای امروز ما می‌سازد و نیازهای امروز ما را برآورده می‌کند که اگر ما مهندس و دکتر نداشته باشیم، باید برویم از بنگلادش بیاوریم؛ مثل زمان رژیم طاغوت. همین مسأله درباره‌ی داشتن مهندس هم صدق می‌کند، که الحمدلله ما امروز در زمینه‌ی مسائل راه، سد، بناهای مهم و کارهای عظیم، مهندسانی داریم که خودشان کارها را انجام می‌دهند و پزشکان عالی‌قدری هم داریم که کارهای بزرگی را انجام می‌دهند که یک وقت در این کشور کسی خوابش را هم نمی‌دید که بتوانند انجام بدهند؛ لیکن اینها امکانات مصرفی هستند؛ این، پولی است که ما در جیب‌مان می‌گذاریم برای این که خرج کنیم و غیر از آن مرکز پول‌سازی است که بایستی در آنجا سرمایه‌گذاری کرد، که ما آن را هم لازم داریم؛ بخصوص در دانشگاه‌ها. بنابراین، به علوم پایه در دانشگاه‌ها اهمیت داده شود.

و اما علوم انسانی. با این همه تأکیدی که بر علوم انسانی شده، تقریباً علوم انسانی هم به همان شکل علوم پایه اداره می‌شود و باز همچنان همان اشکال به قوت خودش باقی است. ما آغوش‌مان را باز کرده‌ایم و حرف‌هایی که الان در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی فلسفه و ادبیات مطرح است، از خارج برای ما دیکته می‌شود؛ ما باید در زمینه‌ی علوم انسانی یک کار اساسی بکنیم و این حرف، حرفی نیست که امروز به ذهن کسی رسیده باشد؛ نه، این حرف، سال‌هاست که گفته شده و باید تحقق پیدا کند. چه کسانی باید این کار را بکنند؟ این مجموعه‌ی حاضر و همان مجموعه‌ی که ما ان شاء الله پیش خدای متعال با آنها احتجاج خواهیم کرد و امیدواریم که از عهده‌ی احتجاج هم بریایند؛ اگر خدای متعال سؤال کرد.

مسأله‌ی دیگری که در همین زمینه پرداختن به این علوم - علوم پایه، علوم انسانی - مطرح است، مسأله‌ی ورودی، خروجی دانشگاه‌هاست که این هم یکی از آن وظایف سنگین وزارت علوم است. ما بینیم که واقعاً دانشگاه‌ها چه کسانی را جذب کنند و برای چه رشته‌هایی جذب کنند، بعد خروجی ما از دانشگاه‌ها در چه رشته‌هایی باشد که ما به آنها بیشتر نیاز داریم؛ حالا یا نیازهای گذرا که نیاز فعلی ماست، یا نیازهای بنیانی. برای این مسأله هم بایستی یک ترتیبی داده شود.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها - 1383/10/17**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

علم، فقط علم مادی نیست؛ علوم انسانی هم مقوله‌ی بسیار مهمی است که ان‌شاءالله اگر در خلال صحبت یادم بود، عرض خواهم کرد. در همه‌ی رشته‌های علوم، ما باید به معنای حقیقی کلمه، احساس عزت‌نفس، احساس مولد علم بودن و فتوحات علمی ایجاد کردن را در خود به‌عنوان یک ملت و یک جامعه‌ی علمی به‌وجود بیاوریم. این کار کیست؟ یکی از مهمترین ارکانش دانشگاه‌هاست.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها - 1383/10/17**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

ما در زمینه‌ی کارهای تحقیقاتی و درج مقالات علمی خود در مجلات I.S.I گاهی دچار مشکلاتی می‌شویم. البته همان‌طور که ذکر کردند، حجم مقالاتی که از ما چاپ شده، خوب است؛ اما من اطلاع دارم - بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی - که بعضی از مجلات I.S.I اصلاً مقاله‌ی محقق ما را چاپ نمی‌کنند؛ چرا؟ به خاطر این‌که با مبانی آنها سازگار نیست. بله، ممکن است ما درباره‌ی فلسفه، روان‌شناسی، تربیت و دیگر مباحث حرفه‌ای داشته باشیم؛ پژوهشگر ما تحقیقی کرده و به نقطه‌پی رسیده - همان چیزی که ما می‌خواهیم - و مرزی را باز کرده که با خاستگاه این دانش - که غرب است و با ارزشهای آن هماهنگ است - سازگار نیست؛ لذا مقاله را چاپ نمی‌کنند! این هم پاسخ ساده‌لوحی بعضی‌ها که خیال می‌کنند دنیا لیبرال - دموکراسی به معنای واقعی کلمه باز است و هرکس هرچه می‌خواهد، می‌تواند بگوید؛ نه، آنها حتی پژوهش علمی را هم با میزان کار می‌کنند! این، از جمله‌ی چیزهای هشداردهنده و عبرت‌انگیز است. اگر شما اطلاع ندارید، تحقیق کنید؛ خواهید رسید به آنچه من عرض می‌کنم.

ما شنیده بودیم که زمان استالین می‌گفتند حکومت استالین به پژوهشگاه‌های علمی خود می‌گوید من این نتیجه را می‌خواهم در بیاورید! علم، آزاد نبود. البته این قضیه را هم امریکایی‌ها و غربی‌ها می‌گفتند. آنوقت‌ها ما یقین می‌کردیم که همین‌طور است، ولی الان بنده شک می‌کنم. از بس می‌بینم حرفهای خلاف می‌زنند، می‌گویم شاید این هم تهمت به استالین بوده! می‌گفتند - راست یا دروغ - اگر یک کاوش علمی، نتیجه‌اش برخلاف اصول دیالکتیک درمی‌آمد، استالین این را قبول نمی‌کرد؛ می‌گفت باید طوری تحقیق کنید که به این نتیجه برسید! الان ما در دنیا لیبرال - دموکراسی این را به چشم خودمان داریم می‌بینیم؛ منتها به شکل مدرن و منظم و با نزاکت و اتوکشیده و کراوات بسته‌اش! تحقیق علمی پژوهشگر مسلمانی که در فلان موضوع برخلاف چارچوب‌های داوران I.S.I حرفی زده، قابل درج در آن مجله نیست!

بیاپید روی ایجاد یک مرکز I.S.I اسلامی فکر کنید و در این خصوص با کشورهای اسلامی وارد مذاکره شوید. ما خوشبختانه در

بین کشورهای اسلامی، پیشرفته هستیم. البته ایجاد این مرکز اسلامی معنایش این نیست که رابطه‌ی خود را با مجلات I.S.I در دنیا قطع کنیم؛ نه، این مرکز را هم به‌وجود بیاوریم تا متعلق به خودمان باشد؛ این هم بشود یک مرجع معتبر. از این کارها هرچه بیشتر بکنید، ان‌شاءالله به پیشرفت کشور بیشتر کمک خواهید کرد.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها - 1383/09/26**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

آنچه مهم است، تولید علم است. دوستان آمارهایی دادند، من هم این آمارها را قبول دارم، به ما هم در زمینه‌ی پیشرفته‌های تحقیقی و مقالات منتشره‌ی در مجلات علمی و معتبر دنیا هم گزارشهایی داده شده؛ منتها توجه کنید که تولید علم - یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن - با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد؛ ما اولی را نیاز داریم. نه این‌که به دومی نیاز نیست، اما دومی کافی نیست. این‌که نوشته و تحقیق و فرآورده‌ی ذهن دانشمندان در زمینه‌ی علوم مختلف - چه علوم انسانی، چه علوم تجربی - بیاید و خوب دانسته شود و همین‌ها محور تشخیص و معرفت‌نهایی انسان شود، چیز مطلوبی نیست. ما می‌بینیم که در زمینه‌های مختلف، تحقیق و پژوهش و رسیدن به نظریه در دنیای مادی و دنیای غرب، مبنای قابل قبول و مورد اعتمادی نبوده؛ بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، که در علوم تجربی و در فناوری هم اثر خودش را نشان می‌دهد. نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت‌نویسی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده. البته آنها حق داشتند؛ دینی که رنسانس علیه آن قیام کرد و خط فکری و علمی دنیا را در جهت مقابل و مخالف آن ترسیم کرد، دین نبود؛ توهّمات و خرافاتی بود با عنوان دین. دین کلیسایی قرون وسطایی، دین و معرفت دینی نبود. بدیهی بود که عقده‌ها و گره‌ها در ذهن دانشمندان و نخبگان و زبندگان فکری باقی بماند و برایش راه علاج‌های ضددینی و غیردینی پیدا کنند. لذا هنوز چگونگی کنار آمدن علم و دین برای آنها مسأله است؛ لیکن مسأله‌ی ما این نیست. در جهان‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی‌یی که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده‌ی علم است. نمونه‌اش را شما در تاریخ نگاه کنید؛ ببینید حرکت علمی در قرون اولیه‌ی اسلام بر اثر تشویق اسلام آن‌چنان اوج گرفت که تا آن‌روز در دنیا بی‌سابقه بود - در همه‌ی زمینه‌ها - و علم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد. پایه و مبنای علوم انسانی‌یی که امروز در غرب مطرح است، از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضددینی و غیردینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم. در زمینه‌ی علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم. قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گشودن افق‌های جدید را باید در خودمان به‌وجود بیاوریم؛ همت ما باید این باشد؛ توقع، این است. خوشبختانه ما پیشرفت کرده‌ایم؛ بوضوح می‌شود این را دید. اگر قرار بود در محیط غیردینی و ضددینی، علم پیشرفت کند، از لحاظ علمی لااقل پیشرفت می‌کردیم. ما از لحاظ علمی، عقب‌مانده و عقب‌نگه‌داشته شده بودیم. بیش از پنجاه سال، تحرک و جوشش علمی در این کشور گُند بود؛ در بعضی از بخش‌ها تعطیل بود. موانعی که به‌وجود آوردند، برای این ملت مثل سم کشنده‌یی بود. باور را از ملت ما گرفتند. ملت و نخبگان و مغزهای ما را به هر آنچه از بیرون این مرزهاست، آن‌چنان دلبسته کردند که اصلاً کسی این مجال و این جرأت و این شجاعت را پیدا نکند که فکر کند می‌توان برخلاف آن حرف‌ها یا غیر از آن حرف‌ها و آن نظریه‌ها، نظریه‌یی ارائه کرد. ما هنوز هم تا حدودی گرفتار آن حرف‌ها هستیم. البته اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرأت بخشید. آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، نتیجه‌ی همین جرأت است؛ باید این جرأت را تقویت کرد و پیش رفت. استعداد‌های ما خوب است.

مربوط به: **بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان همدان - 1383/04/17**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

چرا ایران باید در ردیف کشورهای به اصطلاح در حال توسعه - یعنی توسعه نیافته - قرار بگیرد؟ «در حال توسعه» یک تعبیر تعارف آمیز است؛ یعنی عقب مانده و توسعه نیافته. مگر ذهن و استعداد و قدرت فکری ما از کسانی که امروز دویست سال در دنیای علم پیشتازند، کمتر است؟ می بینید که کمتر نیست. آنها از لحاظ علمی دویست سال از ما جلوترند؛ این گناه پادشاهان است؛ گناه نظام دیکتاتوری است؛ گناه خاندان های پلیدی است که بر این کشور حکومت کردند؛ گناه خاندان پهلوی است. همین احساسی که امروز من و شما داریم و باید در این کشور حاکم می بود، یک روز آن را کوبیدند و خفه کردند. چرا خفه کردند؟ چون رؤسای این کشور، دست نشاندۀ های همان قدرتهایی بودند که نمی خواستند این کشور این طور حرکت و رشد کند؛ نمی خواستند این منبع ثروت مفت و مجانی را از دست بدهند. اگر صاحب خانه بیدار باشد، دزد نمی تواند وسایل خانه را جلوی چشم او جمع کند و ببرد. یا باید صاحب خانه را خواب کنند، یا باید دست و پایش را ببندند؛ والا اگر بیدار باشد، دست و پایش باز باشد و قدرت هم داشته باشد، مگر به دزد اجازه می دهد؟ کسانی که می خواستند ایرانی خواب باشد، دست و پایش بسته باشد و حرکتی در راه مالک شدن موجودی و ثروت طبیعی خود نکند، آمدند کسانی را در رأس این مملکت گذاشتند. رضاخان را انگلیسی ها گذاشتند؛ محمدرضا را اتحادی میان انگلیس و امریکا بر این مملکت گذاشت. پنجاه و چند سال اینها این مملکت را در درخشان ترین فرصتهای جهانی معطل و معوق گذاشتند. نه فقط از لحاظ سیاسی و امنیتی، بلکه از لحاظ فرهنگی نیز ما را عقب نگه داشتند. من که می گویم تهاجم فرهنگی، عده یی خیال می کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را تا این جا بلند کند. خیال می کنند بنده با موی بلند تا این جا مخالفم. مسأله ی تهاجم فرهنگی این نیست. البته بی بندوباری و فساد هم یکی از شاخه های تهاجم فرهنگی است؛ اما تهاجم فرهنگی بزرگتر این است که اینها در طول سالهای متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی توانی؛ باید دنباله رو غرب و اروپا باشی. نمی گذارند خودمان را باور کنیم. الان شما اگر در علوم انسانی، در علوم طبیعی، در فیزیک و در ریاضی و غیره یک نظریه ی علمی داشته باشید، چنانچه برخلاف نظریات رایج و نوشته شده ی دنیا باشد، عده یی می ایستند و می گویند حرف شما در اقتصاد، مخالف با نظریه ی فلانی است؛ حرف شما در روان شناسی، مخالف با نظریه ی فلانی است. یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، اینها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند! جالب این جاست که آن نظریات کهنه و منسوخ می شود و جایگزین نظریات جدیدی می آید؛ اما اینها همان نظریات پنجاه سال پیش را به عنوان یک متن مقدس و یک دین در دست می گیرند! دهها سال است که نظریات پوپر در زمینه های سیاسی و اجتماعی کهنه و منسوخ شده و دهها کتاب علیه نظریات او در اروپا نوشته اند؛ اما در سالهای اخیر آدمهایی پیدا شدند که با ادعای فهم فلسفی، شروع کردند به ترویج نظریات پوپر! سالهای متمادی است که نظریات حاکم بر مراکز اقتصادی دنیا منسوخ شده و حرفهای جدیدی به بازار آمده است؛ اما عده یی هنوز وقتی می خواهند طراحی اقتصادی بکنند، به آن نظریات کهنه ی قدیمی نگاه می کنند! اینها دو عیب دارند: یکی این که مقلدند، دوم این که از تحولات جدید بی خبرند؛ همان متن خارجی را که برای آنها تدریس کرده اند، مثل یک کتاب مقدس در سینه ی خود نگه داشته اند و امروز به جوانهای ما می دهند. کشور ما مهد فلسفه است، اما برای فهم فلسفه به دیگران مراجعه می کنند!

مربوط به : [بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی - 1383/04/01](#)

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : [تحول و ارتقاء علوم انسانی](#)

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

در دنیا برای این که ثابت کنند که علم ذات سکولار دارد و دانش با ارزشها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند برای این که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزشها معرفی کنند؛ درست نقطه ی مقابل کاری که الان شما کرده اید. شما می گویند جهاد دانشگاهی؛ جهاد یک ارزش است. حقیقت مطلب هم این است که علم و

عقل ابزار دو جنبه‌ی است؛ می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سبُعیت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسان‌های دنیاطلب و قدرت‌طلب و زراندوز و سلطه‌طلب بود، همین می‌شود که امروز شما در دنیا مشاهده می‌کنید؛ یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و برای ترویج فحشاء، سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپایی‌ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملت‌ها را زیر سلطه‌ی استعمار بگیرند و به اختلاف مناطق، صد، صدوپنجاه و دویست سال ملت‌ها را عقب نگه دارند و آنها را از سرمایه‌های مادی خودشان محروم کنند؛ استعداد‌های انسانی‌شان را سرکوب کنند و کشتار به راه بیندازند. وقتی علم در مدیریت انسان‌های قرار گرفت که جز به جنبه‌های حیوانی زندگی نمی‌اندیشند، همین خواهد شد. اما اگر علم به‌وسیله‌ی بندگان صالح مدیریت شد، آنوقت خدمت می‌کند و زیان نمی‌رساند. اگر آن کسانی که انرژی هسته‌ی را کشف کردند، اهل فضیلت و تقوا بودند، اگر آن کسانی که آن را به‌کار گرفتند، اهل فضیلت بودند و بندگان صالح، هرگز حادثه‌ی هیروشیما پیش نمی‌آمد. تا امروز هم که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که این‌ها تا آنجایی که می‌توانند، همچنان از این نیروی مخرب استفاده می‌کنند. این قدرتها توان هسته‌ی ضعیف شده را در جنگ ده، دوازده سال پیش که با عراق داشتند به‌کار بردند، در همین حوادث هم از آن استفاده کردند، و در بعضی از مناطق دیگر دنیا هم این سلاح را به‌کار بردند که مایه‌ی قطع نسل و حرث شد؛ «یَهْلِكُ الْحَرْثُ وَ النَّسْلُ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ»، که منطبق بر آیه‌ی قرآنی است. انسان‌ها را مقطوع‌النسل و زمین‌ها را ضایع کردند. سال‌های متمادی - خدا می‌داند - آثار مخرب آن اشعه‌ی مسموم‌کننده و نابودکننده را برای ملت‌ها و برای نسل‌های آینده باقی گذاشتند. اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند این‌طور باشد. بنابراین، این‌که ما بیابیم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی‌تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه‌ی بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسان‌هاست؛ نخیر، علم می‌تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده‌ی از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می‌تواند معنویت همراه با علم باشد و می‌تواند نتایج دانش و پژوهش در جهت معنویت حرکت کند.

ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه‌ی استقلال، روحیه‌ی توکل به خدا و روحیه‌ی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا این‌جا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود. درهای بسیاری از این دانش‌ها بر روی کشورهای مثل کشور ما و غیردارندگان بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نوئی و طراوت افتاده است. البته در همه‌ی زمینه‌ها همین‌طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین‌طور است. من آن‌روز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریت‌های گوناگون کشوری کار می‌کنند و در این‌جا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی‌ها در این‌جا دنبال می‌کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این‌جا - کسانی که مجذوب حرف آنها هستند - تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح می‌کنند! بعضی می‌گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و آمریکا تعبد دارند! این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی‌کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه‌داری غرب و دستگاه‌های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه‌داری را با جان و دل می‌پذیرند!

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها - 1382/08/08**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

مسأله‌ی تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و ... نیست، بلکه شامل همه‌ی علوم و از جمله علوم انسانی است. ما بخصوص در زمینه‌ی علوم انسانی، برخلاف آنچه که انتظار می‌رفت و توقع بود، حرکت متناسب و خوبی نکرده‌ایم، بلکه مفاهیم گوناگون مربوط به این علم را - چه در زمینه‌ی اقتصاد و چه در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و سیاست - به شکل وحی مُنزل از مراکز و خاستگاه‌های غربی گرفته‌ایم و به‌صورت فرمول‌های تغییر نکردنی در ذهنمان جا داده‌ایم و بر اساس آن

می‌خواهیم عمل و برنامه‌ی خودمان را تنظیم کنیم! گاهی که این فرمولها جواب نمی‌دهد و خراب درمی‌آید، خودمان را ملامت می‌کنیم که ما درست به‌کار نگرفته‌ایم؛ در حالی‌که این روش، روش غلطی است. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این‌جا از آن‌جایی است که ما باید به تولید علم برسیم.

مربوط به: **پاسخ به نامه جمعی از دانش آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی -**

1381/11/16

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

این ایده چه در قالب «مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری» و با حضور «هیئت داوری علمی» و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند بلکه در کلیه علوم و رشته‌های نظری و عملی (حتی علوم پایه و علوم کاربردی و ...) و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه‌سازان در این علوم و در فنون و صنایع نیز چنین فضائی پدید آید و البته برای آن‌که ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات، پائین نیاید و پخته گوئی شود و سطح گفتگوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت. این‌جانب با چنین طرحهایی همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد و از شورای محترم مدیریت حوزه علمیه قم می‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاری و مشارکت «اساتید و محققین برجسته حوزه»، برای بالندگی بیشتر فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و سایر موضوعات تحقیق و تألیف دینی، و نیز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظری و عملی جامعه»، تدارک چنین فرصتی را ببینند. از شورای محترم انقلاب فرهنگی و بویژه ریاست محترم آن نیز می‌خواهم که این ایده را در اولویت دستور کار شورا برای رشد کلیه علوم دانشگاهی و نقد متون ترجمه‌ای و آغاز «دوران خلاقیت و تولید» در عرصه علوم و فنون و صنایع و بویژه رشته‌های علوم انسانی و نیز معارف اسلامی قرار دهند تا زمینه برای اینکار بزرگ بتدریج فراهم گردد و دانشگاههای ما بار دیگر در صف مقدم تمدن سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن قلم - 1381/11/08**

عنوان فیش : تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها) : تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

اگر بخواهیم در زمینه‌ی گسترش و توسعه‌ی واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتا کار کنیم، احتیاج داریم به این‌که از مواهب خدادادی و در درجه‌ی اول آزاداندیشی استفاده کنیم. آزاداندیشی در جامعه‌ی ما یک شعار مظلوم است. تا گفته می‌شود آزاداندیشی، عده‌ای فوری خیال می‌کنند که بناست همه‌ی بنیانهای اصیل در هم شکسته شود، و آنها چون به آن بنیانها دلبسته‌اند، می‌ترسند. عده‌ای دیگر هم تلقی می‌کنند که با آزاداندیشی باید این بنیانها شکسته شود. هر دو گروه به آزاداندیشی - که شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است - ظلم می‌کنند. ما به آزاداندیشی احتیاج داریم. متأسفانه گذشته‌ی فرهنگ کشور ما فضا را برای این آزاداندیشی بسیار تنگ کرده بود. همین مطلبی که راجع به ترجمه فرمودند، درست است. منظور از ترجمه فقط ترجمه‌ی کتاب نیست، بلکه ترجمه‌ی فرهنگ، ترجمه‌ی فکر، ترجمه‌ی نظریات بیگانه، آنها را به شکل وحی منزل تلقی کردن و در یک جایگاه غیرقابل خدشه قرار دادن، بلایی بوده که در جامعه‌ی ما وجود داشته است. همان ترجمه‌ها را

تکرار کرده‌ایم؛ هر چه را که دیگران گفته‌اند، تکرار کرده‌ایم و دچار جمود شده‌ایم. اگر بخواهیم رشد کنیم، بایستی بتوانیم در فضای لایتنهای فکر بال و پر بزنیم؛ باید حرکت کنیم. اگر بخواهیم در اقتصاد، فرهنگ، علوم انسانی، فلسفه و در همه‌ی زمینه‌های علمی و فرهنگی در چارچوب آن نظری که فردی در جایی گفته و یک عده طرفدار هم پیدا کرده و حالا مترجمی آن را ترجمه کرده یا خود ما آن را یاد گرفته‌ایم؛ یعنی در چارچوب آن فکر به‌عنوان یک شیء مقدس غیرقابل دست زدن، حرکت کنیم، این آزاداندیشی نیست، بلکه دنباله‌ی «کاغذباد» شدن است. ما در مشهد به این بادبادکها، کاغذباد می‌گوییم. خیال می‌کند در هوا پرواز می‌کند، اما دنباله‌ی کاغذباد است، نخ آن هم دست یکی دیگر است. این کار آزاداندیشی نیست. محیط آزاداندیشی، محیط خاصی است که باید آن را ایجاد کرد؛ آن هم کار شماهاست. البته به نظر من، گفتگوی آزاد باید از حوزه و دانشگاه شروع شود.

مربوط به: **بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر - 1379/12/09**

عنوان فیش: تحول و ارتقاء علوم انسانی

کلیدواژه(ها): تحول و ارتقاء علوم انسانی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

و اما مطلبی که می‌خواهم با شما در میان بگذارم: من می‌خواستم به برادران عزیز در جلسه اساتید این مطلب را بگویم، اما فرصت نشد. لذا آن را ابتدا عرض میکنم، و آن این است که یکی از وظایف مهم دانشگاهها عبارت است از نواندیشی علمی. مسأله‌ی تحجّر، فقط بلای محیطهای دینی و افکار دینی نیست؛ در همه‌ی محیطها، تحجّر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی‌گراییهایی که بر انسان تحمیل شده - بدون این‌که منطق درستی به دنبالش باشد - یک بلاست. آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه‌ی آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه‌ی مسائل علمی، نواندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه‌ی اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. این نو اندیشی، فقط مخصوص اساتید نیست؛ مخاطب آن، دانشجویان و کلّ محیط علمی هم است. البته برای نوآوری علمی - که در فرهنگ معارف اسلامی از آن به اجتهاد تعبیر می‌شود - دو چیز لازم است: یکی قدرت علمی و دیگری جرأت علمی. البته قدرت علمی چیز مهمی است. هوش وافر، ذخیره‌ی علمی لازم و مجاهدت فراوان برای فراگیری، از عواملی است که برای به دست آمدن قدرت علمی، لازم است؛ اما این کافی نیست. ای بسا کسانی که از قدرت علمی هم برخوردارند، اما ذخیره‌ی انباشته‌ی علمی آنها هیچ جا کاربرد ندارد؛ کاروان علم را جلو نمی‌برد و یک ملت را از لحاظ علمی به اعتلاء نمی‌رساند. بنابراین جرأت علمی لازم است.

البته وقتی از علم صحبت می‌شود، ممکن است در درجه‌ی اول، علوم مربوط به مسائل صنعتی و فنی به نظر بیاید - که در این دانشگاه هم بیشتر مورد توجه است - اما من به طور کلی و مطلق این را عرض می‌کنم. علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و مسائل گوناگونی که برای اداره‌ی یک جامعه و یک کشور به صورت علمی لازم است، به نو آوری و نو اندیشی علمی - یعنی اجتهاد - احتیاج دارد. آن چیزی که در فضای علمی ما مشاهده می‌شود - که به نظر من یکی از عیوب بزرگ محسوب می‌گردد - این است که دهها سال است که ما متون فرنگی و خارجی را تکرار می‌کنیم، می‌خوانیم، حفظ می‌کنیم و بر اساس آنها تعلیم و تعلم می‌کنیم؛ اما در خودمان قدرت سؤال و ایجاد خدشه نمی‌یابیم! باید متون علمی را خواند و دانش را از هرکسی فرا گرفت؛ اما علم باید در روند تعالی خود، با روحهای قوی و استوار و کارآمدی که جرأت پیشبرد علم را داشته باشند، همراه شود تا بتواند پیش برود. انقلابهای علمی در دنیا این‌گونه به‌وجود آمده است.

عزیزان من! ما امروز در کشورمان به پیشرفت علم نیاز داریم. امروز اگر برای علم سرمایه گذاری و مجاهدت و تلاش نکنیم، فردای ما، فردای تاریکی خواهد بود. کسانی تلاش می‌کنند که روند کار علمی را کند یا متوقف کنند و یا مورد بی‌اعتنایی قرار دهند. این کار، پسندیده نیست. امروز در کشور، یکی از فرائض حتمی برای این نسل - که در درجه‌ی اول هم این فریضه بر دوش شما دانشگاهیهاست - عبارت از تقویت بنیه‌ی علمی کشور است. ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعیمان عقب خواهد ماند. امروز کسانی که بر دنیا خدایی می‌کنند؛ آن دستهای مرموزی که اختیار

منابع عظیم انسانی و مادی دنیا را در دست گرفته‌اند و همه‌ی اقیانوسها و همه‌ی تنگه‌های حساس دریایی زیر چشمشان است و هرجا می‌خواهند دخالت می‌کنند، با ابراز علم بود که توانستند بشریت را به این خاکستر بنشانند! لذا برای مقابله با کار آنها، علم لازم است. اگر بخواهید از لحاظ علمی پیش بروید، باید جرأت نوآوری داشته باشید. استاد و دانشجو باید از قید و زنجیره‌ی جزمیگری تعریفهای علمی الفاء شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.

البته اشتباه نشود؛ من کسی را به آنارشیزم علمی و به مهمل‌گویی علمی توصیه نمی‌کنم. در هر زمینه‌ای، کسانی که از دانشی برخوردار نیستند، اگر بخواهند به خیال خودشان نوآوری کنند، به مهمل‌گویی می‌افتند. ما در زمینه‌ی برخی از علوم انسانی و معارف دینی این را می‌بینیم. آدمهای ناوارد بدون این‌که از ذخیره و سواد کافی برخوردار باشند، وارد میدان می‌شوند و حرف می‌زنند و به خیال خودشان نوآوری می‌کنند؛ که در واقع نوآوری نیست، مهمل‌گویی است. بنابراین در زمینه‌ی مسائل علمی، من این را توصیه نمی‌کنم. باید فراگرفت؛ اما نباید صرفاً مصرف‌کننده‌ی فرآورده‌های علمی دیگران بود. باید علم را به معنای حقیقی کلمه تولید کرد. البته این کار، روشمندی و ضابطه لازم دارد. مهم این است که روح نوآوری علمی در محیط دانشگاه زنده شود و زنده بماند. خوشبختانه من این شوق و میل را در دانشجویان احساس کرده بودم و در اساتید هم آن را می‌بینم. اینها باید دست به دست هم بدهد و سطح علمی کشور را بالا ببرد. آن وقتی که علم با هدایت ایمان، عواطف صحیح و معرفت روشن‌بینانه و آگاهانه همراه شود، معجزه‌های بزرگی می‌کند و کشور ما می‌تواند در انتظار این معجزه‌ها بماند.

من درباره‌ی تعبد علمی و تسلیم جزمیگری علمی در علوم مختلف شدن، این اشاره را کردم. به طور علمی معتقدم که یک خود آگاهی جمعی باید در همه‌ی محیطهای علمی نسبت به فرهنگ وارداتی و تحکماًمیز و زورگویانه‌ی غربی به‌وجود آید. این مسأله‌ی تهاجم فرهنگی‌ای که ما مطرح کردیم، بعضی کسان به‌شدت از آن آزرده شدند و گفتند چرا می‌گویید تهاجم فرهنگی؟! در حالی که تهاجم فرهنگی، وسط میدان مشغول مبارز طلبیدن است، بعضی کسان سعی کردند آن را در گوشه و کنار پیدا کنند! این تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ مسأله این است که یک مجموعه‌ی فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق وتو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه‌ی باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند. این است که یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه‌ی ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فرآورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فرآورده‌های دست اول؛ فرآورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغاتی به آن ملت تزریق می‌کنند و به عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است.

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاههای تحقیقاتی عظیم علوم مختلف حل‌اجی کنند؛ روی آنها سؤال بگذارند؛ این جزمیتها را بشکنند و راههای تازه‌ای بیابند؛ هم خودشان استفاده کنند و هم به بشریت پیشنهاد کنند. امروز کشور ما محتاج این است؛ امروز انتظار کشور ما از دانشگاه این است. دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه‌ی آباد و عادلانه‌ی مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد. دانشگاه را مشغول چه کاری کنند که دانشجو و استاد را از این راه باز بدارند؟ یقین بدانید یکی از چیزهایی که امروز مورد توجه سرویسهای اطلاعاتی است، این نکته است که ببینند چگونه می‌توانند دانشجوی بیدار و دانشگاه آگاه ایرانی را از آن راهی که می‌تواند به اعتلای کشور بینجامد، منصرف کنند و مانعش بشوند.

من البته درباره‌ی تفکر و فرهنگ وارداتی غرب بارها صحبت کرده‌ام. بعضی ممکن است این را حمل بر نوعی تعصب و لجبازی کنند. نه؛ این تعصب و لجبازی نیست. برای به زنجیر کشیدن یک ملت، هیچ چیزی ممکن‌تر و سهل‌تر از این نیست که قدرتمندان عالم بتوانند باورهای آن ملت و آن کشور را بر طبق نیازهای خودشان شکل دهند. هر باوری که یک ملت را به اتکال به خود، اعتماد به نفس، حرکت به جلو و تلاش برای استقلال و آزادی وادار کند، دشمن خونی آن، کسانی هستند که می‌خواهند با قدرت متمرکز، همه‌ی دنیا را در اختیار بگیرند و به نفع خودشان همه‌ی بشریت را استثمار کنند. لذا با آن فکر مبارزه می‌کنند. در نقطه‌ی مقابلش، سعی می‌کنند با راهها و شیوه‌های مختلف، افکار و باورها و جهتگیریهای را در میان آن ملت ترویج کنند که به

گونه‌ای بیندیشد که آنها می‌خواهند. وقتی آن‌طور اندیشید، آن‌گونه هم عمل و حرکت خواهد کرد. این یک ابزار بسیار رایج است؛ تئوری‌سازی استعماری. این کار را از اوّل انقلاب در ایران کرده‌اند و امروز هم می‌کنند. در جاهای دیگر دنیا هم انجام داده‌اند؛ مخصوص این دوران هم نیست.

در قرن نوزدهم، انگلیسی‌ها جنگ‌ها و لشکرکشی‌های استعماری را شروع کردند. آنها به آفریقا و آسیا و هند و جاهای دیگر می‌رفتند و کشورها را تصرف می‌کردند و انسان‌ها را به بردگی می‌گرفتند. امروز دهها میلیون سیاهپوست امریکایی که در آن شرایط زندگی می‌کنند، از اولاد همان بردگانی هستند که همین آقاهاى متمدّن قرن نوزدهم، آنها را از آفریقا و از میان خانواده‌ها و از آغوش پدران و مادرانشان بیرون کشیدند و برای کارگری و مزدوری و نوکری به آن‌جا بردند. این کارها جنایت‌های آشکار بود. برای این‌که بتوانند این کارهای خلاف عقل و خلاف شرع و خلاف همه‌ی قوانین بشری را به گونه‌ای توجیه کنند، برایش تئوری‌های به اصطلاح روشنفکری و روشنفکرپسند درست می‌کردند. خود نام «استعمار» یکی از همین تئوری‌هاست؛ یعنی برای آبادی این مناطق می‌رویم! عیناً همین مطلب امروز در دنیا وجود دارد. کسانی که می‌خواهند بر روی زندگی و منابع انسانی ملتها کار کنند و از آن بهره‌برداری نمایند، یکی از کارهایشان تئوری‌سازی برای ملتهاست.

من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توجّه بدهم که مواظب تئوری‌های وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهای از قبیل کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نام‌های مختلف، بسیار حرف‌ها زده می‌شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریته‌ی تحکّم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزش‌های غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند - بخصوص امریکایی‌ها - جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلّط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینی‌شان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسّل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله می‌کنند! آنها حرف‌هایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرف‌ها می‌دهند! باید مراقب اینها بود.

من در این زمینه حرف‌های زیادی با محیط دانشگاه و جوان دانشگاهی و استاد دانشگاهی دارم. این حرف‌ها، حرف‌های جدّی است؛ باید با اینها مواجه شد. نمی‌شود صورت مسأله را پاک کرد و رفت خاطرجمع یک گوشه نشست. بعضی افراد می‌خواهند صورت مسأله را پاک کنند. وقتی می‌گوییم دشمن، می‌گویند دشمن چیست؟ وقتی می‌گوییم توطئه، می‌گویند شما بدبین هستید! نمی‌شود با پاک کردن صورت مسأله، قضیه را تمام کرد. قضیه که حل نمی‌شود؛ باید فکر کرد. البته علّت این‌که من این را با قشر دانشگاهی در میان می‌گذارم، به خاطر این است که برای دانشگاهی احترام قائلم. من ارزش دانشگاه را برای کشور با همه‌ی وجود حس می‌کنم. دانشگاه نقطه‌ی اوج خدماتی را که می‌تواند به یک کشور ارائه شود، تأمین می‌کند. دانشگاه برای کشور، بسیار مهم است.